

منطق نماز چیست؟

دکتور فرید یونس

عنوان بالا از سؤال یک برادر عزیز و گرامی ام که در «فیسبوک» از من سؤال کرده‌اند گرفته شده است. چون این عزیز من از کلمه «منطق» کار گرفته است و سؤال خود را مطرح کرده است، پس لازم میدانم که در رابطه به این موضوع از یک زاویه دیگر و منطق دیگر دین شناسی جواب گویم زیرا مسلمانان همه حکمت نماز را در اسلام از دید آیات متعدد قرآن مجید و احادیث ثقه پیشوای اسلام (ص) میدانند که نماز فرض است یعنی بالای کسی که اسلام را دین خود انتخاب کرده است. نماز گناهان را پاک میکند و تسلیمی مطلق به ذات اقدس الهی است و اجر و حسنات زیاد در دنیا و آخرت دارد که در متون دینی ما مفصل گزارش یافته است انسان از نگاه منطق علمی دین شناسی در سه رابطه زندگی میکند و با همین سه رابطه نه تنها خود را می‌شناسد بلکه از نگاه اجتماعی عرض وجود میکند. این سه رابطه عبارت اند از

Theo-ethics و Psycho-ethics, Socio-ethics

می باشد

سایکو-ایتکس رابطه شخص با خودش است. پیشوای اسلام فرموده است «هر کی خود را شناخت، خدا را شناخته است». بزرگترین بحث اساساً همین منطق خود شناسی است. از کجا آمده ایم؟ به کجا می رویم؟ هدف از زندگی ما چه است؟ چرا می‌میریم؟ با سایکو-ایتکس انسان خود را پیدا میکند. منحیت یک موجود آزاد برای خود تصمیم می گیرد. زندگی، موجودیت او درین جهان بیکران، و تاریخ برایش مفهوم پیدا میکند. خود را محور قرار میدهد و از تجارب تلخ و شیرین زندگی می‌آموزد و دید و بینش خود را می‌سازد. نماز یکی از راه‌های خود شناسی است زیرا نقطه وصل را پیدا کردن است. داستان حضرت ابراهیم (ع) هزاران سال قبل از محمد (ص) که از خود مکرر سؤال میکند و ستاره و مهتاب و آفتاب را در شروع خود شناسی، خدا می‌شمارد و بالاخره به نتیجه میرسد که این‌ها همه توسط یک ذات خلق شده است و اداره می‌شود و او منحیت یک انسان جز همین خلقت است. ابراهیم (ع) به سجده می‌رود و سجده در نماز (عبادت خداوند) رکن اساسی را تشکیل میدهد و شکل سمبولیک سجده به خاک نشان میدهد که انسان از خاک زاده شده و دوباره خاک میشود. و خالق است که همه از نزد او آمده‌اند و به او بر می‌گردند (انا لله و انا الیه راجعون). با نماز و سجده انسان خودش را پیدا میکند و خود را از آن او میداند و از حالت سر در گمی، بی ثباتی فکری، بی هدفی و تشویش خارج می‌شود و با گفتن لا اله الا الله همه هستی برایش معنی و حقیقت پیدا میکند چنانچه دردیوان شمس تبریزی از مولانا میخوانیم

از ذکر بسی نور نژاید مه را در راه حقیقت آورد گمره را
هر صبح و نماز و شام وردخود ساز این گفتن لاله الا الله را

سوسیو-ایتکس رابطه شخص با اجتماع است زیرا انسان یک موجود اجتماعی

است. از آنجائیکه نماز انسان را نظر به نص قرآن از بدی‌ها پاک میسازد پس به انسان منحیت یک موجود اجتماعی تجلی اخلاقی می‌دهد زیرا انسان که هدف اساسی نماز را دانسته است او همیشه از اخلاق انسانی کار می‌گیرد. و سخن سؤال کننده گرامی که «اکثریت نماز گزاران مردمان نامطلوب هستند و هستند مردمان که نماز ادا نه می‌کنند اما مردمان شریف هستند»؛ برای این است که نمازگزاران به شکل اساسی معنی و مفهوم نماز را ندانسته اند ، فقط آموخته اند که باید نماز ادا کنند و اینکه نماز نتوانسته اخلاق شانرا تغییر دهد برای این است که این اشخاص با اینکه نماز گزار هستند به شکل توحیدی نه می‌اندیشند و تفکر توحیدی ندارند. یعنی قبل از اقامه نماز دانستن توحید امر ضروری است که چرا ما باید نماز بخوانیم. اکثریت امروز نماز می‌خوانند برای اینکه فرض است و اما اینکه نمازگزار در قبال نماز که برایش فرض شده است چه مسئولیت های بزرگ دارد بی‌خبر است. به عبارت دیگر همین منطق نماز او را مسئول میسازد تا به دیگر امور به شکل توحیدی رسیدگی کند. مدنیت اسلام ، در گذشته گفتیم به اساس سه (ع) استوار است یعنی علم ، عبادت و عدالت . اکثر این مردمان چون هدف نماز را ندانسته اند ، به اساس علم و عبادت راستین خداوند و عدالت اجتماعی زندگی ندارند. همچنان دین اسلام در زندگانی روزمره به اساس سه (ع) دیگر استوار است یعنی عقل ، عقیده و عمل که جمله شش (ع) میشود. پیر طریقت خواجه عبدالله انصاری چه قشنگ گفته است « الهی آنرا که عقل دادی چه ندادی و آنرا که عقل ندادی چه دادی؟ این تفکر توحیدی است که انسان را به اعلی علیین می‌رساند و شاید پیاده کردن تفکر توحیدی چه در سطح فردی و چه خانوادگی و چه کشوری چالش بزرگ است و دلیل اینکه نماز گزار قادر نیست که افکار توحیدی را در عمل پیاده کند، به نظر ما نه خود را شناخته است و نه خدا را و نتیجه اینکه چون اعمالش غیر توحیدی است یعنی با منطق نماز که ادا میکند مطابقت ندارد ، او را به اسفل سافلین کشانده است و به گفته برادر گرامی ام «نامطلوب» ساخته است. همه بدبختی های که ما با آن سر دچار هستیم مانند شخصیت پرستی ، مادی پرستی و مصرف گرایی و اسراف و سود خوری؛ قوم پرستی و رواج پوسیده قبایلی بدل و پایمال کردن حقوق دوشیزه گان ؛ ملیت گرایی (ناسیونالیزم) ، مذهب پرستی و غلو گرایی در مذهب، نژاد پرستی ، خرافه پرستی ، خارجی پرستی به جای خدا پرستی ، «ایزم پرستی» مانند کاپیتالیزم و صهیونیزم و کمونیزم ، فاشیزم و غیره «ایزم» ها که همه مغایر فطرت انسانی است زیرا آزادی انسان را سلب می‌کند ؛ کنترل عقل و فکر مردم به نام حزب سیاسی و بالاخره به نام دین ، تحمیل دین بالای مردم به فشار و زور و ناسزا گفتن مردم برای اینکه تبلیغات دینی شانرا قبول ندارند در حالیکه دین یک موضوع اختیاری است؛ منازعات خانوادگی و لت و کوب زنان ، تهمت و توهین و فحش گفتن که خلاف کرامت انسانی است ؛ غیبت و سخن چینی که خلاف اخلاق اسلامی است؛ بی احترامی به عقاید مردم ، بی احترامی به بزرگان خانواده و اهل علم و معرفت ، زن ستیزی و زنان را از صحنه سیاسی و اجتماعی حتی مسجد

خدا کنار زدن؛ بی تفاوتی و بی محبتی در مقابل کودکان ، تقلید های کورکورانه که مولانا چه زیبا گفته است « خلق را تقلید شان بر باد داد - ای دو صد لعنت بر این تقلید باد»؛ خود نمائی و کبر و غرور ، دفاع از ناحق ، توجیهاات نادرست و فاسد سیاسی و اجتماعی، پشتیبانی و همکاری با مردم فاسد و نماینده اجنبی و فروخته شده و متقلب به خاطر پول و قدرت، مردم مسلمان را به کفر گرفتن ، اهل کتاب را کافر گفتن ، تملق و چاپلوسی ، عقده و کینه و حسادت ، همچشمی ها ، همه و همه از عدم دانش و تفکر توحیدی است که نماز در عمل راه حل آن است نه بی نمازی. بزرگترین منطق نماز رد شرک است که در هر سجده انسان بر علیه شرک قیام و مبارزه میکند. زیرا شرک و کفر تنها انکار خداوند نیست ، بلکه تایید به کفر و شرک توازن و تعادل جهان هستی را بر هم میزند و جهان را برای آدمیزاد و محیط زیست او فاسد میسازد. منطق علمی نماز از نگاه علمی و یا ساینس ، رابطه انسان با نظام خلقت از دید روانی و روحی است و این مطلب علمی را ما در نظام شمسی و چرخش زمین می بینیم که نماز در اوقات فرض شده که زمین در مدار خود برای تعیین زمان یعنی شب و روز حرکت میکند. قرآن می گوید « أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنِ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ لَمَشْهُودٌ. » (سوره اسراء آیه 78) و همچنان در سوره نساء آیه 103 میخوانیم «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا» در سوره اسراء می بینیم که نماز در اوقات قبل از طلوع آفتاب و نیم روز (خط استوا) و قبل از غروب و شب است و در سوره نساء از اوقات معین یاد میکند. چون انسان جز خلقت است و خلقت جز انسان است ؛ در همان وقت سجده میکند که در اثر گردش زمین به محور خود ، با طبیعت همسان و هماهنگ باشد . زمین در مدار خود در 24 ساعت یک دوره را تکمیل می کند. همین موضوع، آفتاب برآمد و آفتاب نشست را در نقاط مختلف جهان تعیین می کند. میزان دورانی مغز انسان هم به اساس 24 ساعت عیار شده است که این خود توازن روح و روان سالم انسانی را بر قرار میسازد زیرا با طبیعت هماهنگ است. منطق به دوش گرفتن مسئولیت عظیم امانت جهان که انسان در آن زیست می کند (سوره احزاب آیه 72)، را به انسان میسپارد و در عین زمان مسئولیت بزرگ دیگر که انسان را قرآن نماینده (خلیفه) خداوند در زمین قرار میدهد (سوره بقره آیه 30) ؛ این دو مسئولیت یعنی به عهده دار شدن جهان که ما زندگی می کنیم و نمایندگی آن ذات اقدس الهی یعنی خلافت انسانی در زمین به پایه تکامل نه می رسد تا اول انسان به مکارم اخلاقی و علم نرسد. مکارم اخلاقی از طریق آموزش و پرورش سالم امکان پذیر است که باید علمی باشد ، زیرا زیر بنای اسلام علم است و اساس علم از عبادت خداوند شروع می شود که آغاز عبادت همانا نماز است. اولین آیه را که خداوند به بشر نازل کرد «اقرا» یعنی بخوان بود و پیشوای اسلام فرموده است که اولین چیزی را که خدا خلق کرد «قلم» بود. اینجاست که زیر بنای دین ما و روش زندگی ما باید علم باشد که حصول این علم از طریق همان (عبادت) خداوند متصور است و بس. پیشوای اسلام (ص) گفته است «من برای تکامل مکارم اخلاق آمده ام» و چون آغاز مکارم اخلاق در نماز

است، انسان بدون اندیشه توحیدی نه میتواند و قادر نیست تا این محیط زیست را به وجه احسن نگهداری کند و یا خلافت کند در صورتیکه او قانون خدا را که در عین زمان قانون طبیعت است نغیه کند. یعنی اساساً خدا را نغیه میکند. همه مطالب منفی غیر توحیدی که در بالا تذکر دادیم چون جای خداپرستی را میگیرد، با توحید و نماز توحیدی در تضاد است. بی جای نبوده که پیشوای اسلام (ص) فرموده است که «نماز ستون دین است» و حالا ما خوب می‌دانیم که ستون دین همانا یکتا پرستی یعنی توحید است و اولین رکن پروردگار بعد از ایمان آوردن، در هر دین که باشد عبادت خالق یکتا و بی همتا است. شاعر چه زیبا گفته است

نقش معکوس نگین از سجده می‌گردد درست
سرنوشت واژگون را راست می‌سازد نماز

همچنان هستند مردمان شریف که نماز ادا نه می‌کنند و اما در اثر فشار روزگار خود کشتی میکنند. شریف هستند و اما شدید مادی پرست هستند. شریف هستند و اما قوم پرست و نژاد پرست و یا زن ستیز هستند و مثال‌ها زیاد است که نمایانگر این است که راز خلقت و اینکه هدف شان درین دنیای هستی چه است نه دانسته اند. این اشخاص شریف ناکام مانده اند که هدف زندگی خود را به درستی درک کنند و خود و خانواده خود را به بدبختی‌ها کشانده اند. گل سخن درین است که یکتا پرستی از طریق عبادت خداوند تنها اندیشه مسلمان نباید باشد زیرا توحید جهانی است. به هر دین و آئین که انسان باشد قادر است تا توحید را بشناسد زیرا مبدأ توحید یگانگی خدا با جهان هستی است که خلق کرده است. توحید یعنی خدا یکی است؛ کاینات یکی است، انسان یکی است و علم یکی است. توحید یعنی نظام هستی بانظم خاص و توازن خلق شده است و انسان که جز همین خلقت است اگر از دایره توحید خارج می‌شود به چالش‌های گوناگون دچار می‌شود زیرا دیگر در توازن نیست و یک موجود غیرطبیعی است. درین طرز تفکر همه مخلوقات به شمول انسان شامل است و اینکه خداوند می‌گوید که انس و جن را برای عبادتش (سوره ذاریات آیه 56)، خلق کرده است زیرا مرجع و مبداء برای همه هستی یکی است و مسلمان و نا مسلمان همه شریک اند و از همین لحاظ است که گفت «رب العلمین». و نه گفت رب المسلمین. رکوع و سجده به ذات اقدس الهی نمایانگر این است که ما از آن او هستیم و همه هستی و نیستی ما از آن اوست و ما با ادای این نماز تعهد می‌کنیم که غیر از او دیگر سرور و قانونگذار و روزی دهنده و حامی و پشتیبان نداریم. تنها به او تسلیم هستیم و بس

تیو-ایتکس رابطه انسان با خالق است و این رابطه تنها از طریق نماز و عبادت خداوند بر قرار می‌گردد. و اولین راه رسیدن به منزل مقصود در به پا داشتن نماز است. خداوند به نماز ما محتاج نیست و اما این ما هستیم که باید نقطه وصل را پیدا کنیم و اصل خویش را دریابیم. اصل ما در دو پدیده نهفته است و آن جسم و روح ماست. ژان ژاک روسو فیلسوف فرانسوی انسان را «هایلو مورفیک» خوانده است. «هایلو» یعنی روح و «مورفیک» یعنی جسم. سؤال درین جاست که این روح

از کی است و از کجا در قالب انسان دمیده است؟ تنها قرآن مجید جواب میدهد « و از تو در باره روح می پرسند؛ بگو روح از [عالم] امرپروردگارا است؛ و شما را از علم جز اندکی نداده اند». (اسراء آیه 85). یگانه راه که این روح به آرامش زندگی کند با ذکر خالق است که از طریق نماز ، ذکر و دعا روح را با نشاط داشته باشد و در نتیجه خودش را با نشاط داشته باشد زیرا تا روز اجل ، روح برعکس جسم که پیر می شود ، هرگز پیر نمیشود و بالاخره با تَقَسَّ آخری دوباره پیش همان موجودی می رود که نزد ما به امانت گذاشته بود. دل مرکز و جایگاه روح است و قرآن می گوید «و تَطْمِئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ» یعنی «و آرام گیرد دل‌های شان با ذکر خداوند». باز میگوید «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ» یعنی بدانید که با ذکر خداوند دل‌ها آرام میگیرد. اساساً وقتی که ما خوب دقت کنیم تئو-ایتکس که رابطه انسان با خالقش می باشد در صورت شناخت اصولی توحید ، دو رابطه دیگر را مستحکم میکند. اما متأسفانه ما می بینیم که شناخت اصلی از توحید نداریم و در سطح فردی ، خانوادگی و کشوری افسردگی‌های گوناگون ، بی نظمی های گوناگون ، بد اخلاقی های گوناگون همه سرچشمه میگیرد از ینکه «ستون دین» را ما خود به دست خود ویران کرده ایم و نتیجه اش را هم خوب می بینیم.

در اخیر می خواهم این داستان زندگی خود را به ارتباط نماز به شما تعریف کنم. شبی از شب‌ها در منزل تنها بودم و یک کتاب در دستم بود و سرگرم مطالعه بودم که دفعتاً برق های منزل قطع شد. بیرون رفتم دیدم چند تن از همسایگان هم بیرون برآمده اند و آرزو داشتند بدانند که چرا برق منطقه ما قطع شده است. کوچه ما تاریک بود . کسی همدیگر را نه میدید. همسایه دست راستی منزل من به من نزدیک شد و گفت میخواست جائی برود و اما موتزش داخل گراج است و در باز نه میشود. و علاوه کرد که چی تاریکی عجیبی !همه چیز تاریک است و کسی ، کسی را نه می بیند. لبخند در لبانم نقش بست و در دل گفتم چه ساده مردیست این امریکائی. فراموش کرده و یا نمیداند که موجودی که این تاریکی را هست کرده همه را می بیند. بازگشتم به خانه و وقت نماز عشاء بود. از آلماری آشپزخانه یک شمع را پیدا کردم که برای روز های مبادا همیشه همسرم نگه داری میکند، گرفتم و با کبریت روشن کردم. برق ها هنوز هم خاموش بود. یخچال ، تلویزیون ، رادیو ؛ ساعت‌های برقی ، همه آلات منزل از کار افتاده بودند و گویی زمان متوقف شده است. حتماً متوجه شده‌اید که منبع تکنالوژی عصر حاضر اساساً برق است . اگر برق نباشد همه نظام انسان متمدن سقوط میکند. چنانچه منبع اساسی انرژی در طبیعت آفتاب است و اگر آفتاب نباشد زندگی جهان هستی دیگر وجود نه می داشته باشد. من در حالیکه شمع را خاموش میکردم و جای نماز را باز میکردم تا نماز عشاء ادا کنم، این آیه در مغزم خطور کرد: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي - خلق السموت و الارض و جعل الظلمت و النور (سوره انعام آیه اول) یعنی سپاس خداوندی را که آسمان‌ها و زمین را آفرید و پدید آورد تاریکی ها و روشنائی ها را. گفتم الها هر چه قطع می شود، شود؛ اما وصل من را با خودت قطع نکن زیرا منبع همه انرژی و همه توانائی و همه روشنائی و همه در گشائی ها توئی و چون

ایمان تصدیق به قلب است و اعتراف به زبان گویا ، به دل نیت کردم و به جحر الله
و اکبر گفتم و در تاریکی منزل خود شروع کردم به نماز. نماز یعنی آزادی انسان از
. . هرگونه اسارت ، بندگی و غلامی
. از سؤال برادر عزیز و گرامی ام که من را افتخار بخشیدند ، تشکر میکنم
و من الله توفیق. دوشنبه سوم نوامبر 2014 میلادی

برای مأخذ این نوشتار و مطالعات بیشتر لطفاً به دو کتاب ذیل که به زبان انگلیسی
است مراجعه فرمائید

God's Will Be Done, volume I,II and III by Laleh Bakhtiar.
The Institute of Traditional Psychoethics and Guidance 1994
Tawhid: Its Implications For Thought and Life by Ismail Raji Al-Farouqi.
International Institute of Islamic Thought, 1982